

## عظمت سوم شعبان در نگاه رهبر انقلاب

روز میلاد حضرت اباعبدالله الحسین علیه الصلوة والسلام روز با عظمتی است. به فرمایش مرحوم آقای حاج میرزا جواد آقای تبریزی ملکی - عالم فقیه عارف بزرگوار - عظمت روز سوم شعبان را باید به عنوان پرتوی از عظمت حسین بن علی به حساب آورد و به شمار آورد؛ روز بزرگی است. در این روز کسی متولد شد که سرنوشت اسلام، به او، به حرکت او، به قیام او، به فداکاری او، به اخلاص او بسته بود. این بزرگوار در تاریخ بشریت، یک حرکتی را - که نظیر و شبیهی ندارد - ارائه‌ی به تاریخ کرد و در مقابل چشم بشریت گذاشت که هرگز فراموش نخواهد شد؛ الگو است. فداکاری برای هدف الهی، در آن حجم، در آن مقیاس عظیم؛ فداکاری به معنای دادن جان خود، جان عزیزان؛ اسارت حرم اهل بیت، با آن وضع، با آن فجاعت؛ تحمل این حادثه‌ی سخت، برای اینکه اسلام بماند، برای اینکه ظلم‌ستیزی به عنوان یک اصل در تاریخ اسلام و در تاریخ بشریت به یادگار بماند؛ این چیزی است که دیگر نظیری برای آن نمی‌شود پیدا کرد. خلیلیها در راه خدا شهید شدند، در رکاب پیغمبر، در رکاب امیرالمؤمنین، در رکاب انبیاء الهی، هیچ کدام با حادثه‌ی کربلا قابل مقایسه نیست. فرق است بین آن کسی که در میان هلله و تحسین یاران و همراهان و به امید فتح و پیروزی وارد میدان میشود می‌جنگد و بعد شهید میشود و به خاک هلاک می‌افتد - که البته اجر بسیار بالایی دارد - و بین آن جماعتی که در یک دنیای تاریک و ظلمانی، در هنگامی که همه‌ی سرجنابانان بزرگ دنیای اسلام از همراهی با آنها سر باز می‌زنند بلکه آنها را بر این اقدام ملامت هم میکنند، امید یاری از هیچ کس نیست، کسی مثل عبدالله بن عباس آنها را منع میکنند، کسی مثل عبدالله بن جعفر آنها را منع میکنند، یاران و مخلصان و علاقه‌مندان در کوفه از همراهی با او سر باز می‌زنند، تنهای تنها، فقط با تعداد معدودی از یاران مخلص، و با خانواده - با همسر، با خواهر، با خواهرزاده‌ها، با برادرزاده‌ها، با جوانان، با فرزند شش ماهه - وارد میدان میشود. این یک حادثه‌ی عجیبی است؛ یک منظره‌ی پرشکوهی است در تاریخ که در مقابل چشم بشریت گذاشته شده است.

امام حسین علیه‌السلام خود را برای یک چنین روزی آماده میکرد. البته زندگی حسین بن علی علیه‌السلام در طول تاریخ زندگی پنجاه و چند ساله‌ی آن بزرگوار، همه درس است: دوران کودکی او درس است، دوران جوانی او درس است، در دوران امامت امام حسن علیه‌السلام رفتار او درس است، بعد از شهادت امام حسن علیه‌السلام رفتار او همه درس است. این جور نبود که کار امام حسین فقط در آن روز آخر باشد، لکن حادثه‌ی کربلا این قدر عظمت دارد، این قدر درخشنده است که مثل خورشیدی همه‌ی نورهای دیگر را تحت الشعاع قرار میدهد؛ والا خطابه‌ی امام حسین علیه‌السلام خطاب به علما و بزرگان و صحابه و تابعین در منی - که در کتب حدیث ذکر شده است - یک سند تاریخی است؛ نامه‌ی آن بزرگوار خطاب به علما و بزرگان و پایه‌ها و ارکان دینی در زمان خودش - «ثُمَّ أَنْتُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ، عِصَابَةٌ بِالْعِلْمِ مَشْهُورَةٌ»<sup>۱</sup> که در کتب معتبر حدیث نقل شده است - یک سند تاریخی مهم است؛ رفتارهای آن بزرگوار؛ برخوردش با معاویه، نامه‌اش به معاویه؛ حضورش در کنار پدر در دوران کوتاه خلافت امیرالمؤمنین علیه‌السلام؛ همه‌ی اینها قدم به قدم درس است؛ منتها حادثه‌ی عاشورا چیز دیگری است. امروز روز ولادت این بزرگوار است؛ در این روز باید از حسین بن علی درس آموخت؛ درس حسین بن علی علیه‌السلام و السلام به امت اسلامی این است که برای حق، برای عدل، برای اقامه‌ی عدل، برای مقابله با ظلم، باید همیشه آماده بود و باید موجودی خود را به میدان آورد؛ در آن سطح و در آن مقیاس، کار من و شما نیست؛ اما در سطوحی که با وضعیت ما، با خلقیات ما، با عادات ما متناسب باشد چرا؛ باید یاد بگیریم.



رسول خدا ص فرمود

شعبان ماه من است و در رمضان ماه خداست و آن بهار فقر است. خداوند قربانی کردن را قرار داد تا سائینان از گوشت سیر کردن پس آنها را اطعام کنید.

فضائل ماه رجب، شعبان، رمضان؛ صفحه ۵۵

تمام ویژگی ها و فضایل و کمالات حضرت عباس(ع) شعاعی از یک دایره است؛ دایره ای که بایستی آن را «ولایت پذیری» و اطاعت بی چون و چرا از «ولایت» نام نهاد. به عبارت دیگر تمام ویژگی ها و کمالات ابوالفضل العباس(ع) در پرتو پیروی محض از ولی الله زمان خود یعنی برادرش، حسین(ع) رنگ می گیرد. همین ولایت پذیری است که شالوده اصلی دیگر فضایل و صفات آن بزرگوار را تشکیل می دهد. اگر این اطاعت پذیری از زندگی حضرت عباس(ع) حذف شود، دیگر فضایل حضرتش در بازار الهی قدر و بهایی نخواهند داشت. در حقیقت، پذیرش ولایت حجت زمان و پیروی مطلق از حجت الهی، حرکات حضرت عباس را نه تنها در روز عاشورا، بلکه قبل از آن جهت داد و کرامات حضرتش به عنوان «باب الحوائج» در گشودن گره های کور زندگی متوسلین به آن حضرت، تنها گوشه ای از مزد دنیایی پروردگار به ایشان می باشد؛ طبیعتاً ذخایری که خداوند متعال برای آن بزرگوار در قیامت تدارک دیده است، به تصور ما در نخواهد آمد، و این اجر ولایت پذیری قمر بنی هاشم است.



اهمیت وجودی وجود مقدس پیغمبر اعظم بقدری است که خدای متعال به خاطر دادن این نعمت به بشر، بر او منت میگذارد؛ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ.

امام سجاد (علیه الصلوة والسلام) در صحیفه‌ی سجادیه این جور عرض میکند به خدای متعال: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ السَّالِفَةِ؛ مَنَّتَ الْهَيْ بِرَأْيِ عَطِيَّةِ بزرگ به بشریت، تصریح قرآن و کلام ائمه‌ی معصومین است؛ این خیلی عظمت است.»

### مکارم اخلاق در سنت و سیره امام زین العابدین

هر چند که امام زین العابدین، به زینت عبادت کنندگان معروف است و مردم به سبب رابطه و پیوند بسیار مستحکم ان امام همام با خداوند این القاب را به ایشان داده اند و او را بسیار سجده کننده می شناسند، ولی این ارتباط مستحکم و قوی با خداوند بیانگر میزان عقلانیت بالای ایشان است که در اخلاق نیز خودنمایی می کند. اگر عقل و دین و اخلاق می خواست تجسم یابد، در شکل امام معصوم(ع) تجسم می یابد که این گونه نیز بوده است. در روایتی از پیامبر(ص) است که فرمود: لَوْ كَانَ الْعَقْلُ رَجُلًا لَكَانَ الْحَسَنُ؛ اگر قرار بود عقل به صورت یک انسان تجسم پیدا کند به صورت امام حسن علیه السلام ظاهر می شد. (فراید السمطین، ج ۲، ص ۸۶) این معنا اختصاص به حضرت امام حسن(ع) نداشت، بلکه همه انوار امامان(ع) که نور واحد هستند، این گونه اند.

امام زین العابدین، تجسم عقل است که از ان نمادهایی همچون تدین و اخلاق نیک ظهور می یابد. از این رو در سیره و سنت ان امام(ع) همه مکارم اخلاق را می توان یافت و ایشان تجسم کامل اخلاق نیکی است که خداوند پیامبرش را به عنوان (انک علی خلق عظیم) بدان ستوده است.

